

## ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی: برتری‌ها و کاستی‌ها

مهردی ناصری<sup>۱\*</sup>، مصطفی شیروی خوزانی<sup>۲</sup>، محمود رضا توکلی محمدی<sup>۳</sup>

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، ایران

۲- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، ایران

۳- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، ایران

دریافت: ۹۳/۱۱/۷ پذیرش: ۹۳/۱۲/۵

### چکیده

اگر چه بیشتر ترجمه‌های تحت اللفظی قرآن کریم، در نگاه اول نارسا و نامفهوم به نظر می‌رسد و از سازگاری و مطابقت لازم با ساختارهای زبان فارسی برخوردار نیستند، اما در بسیاری از موارد از نقاط قوتی نیز برخوردارند که بسیاری از ترجمه‌های امروزی قرآن کریم، فاقد آن است. دقت در برابر گزینی، مطابقت با نص قرآن، توجه به ساختارهای صرفی و نحوی زبان مبدأ و... از جمله مواردی هستند که ترجمه‌های تحت اللفظی توجه شایانی به آن داشته‌اند. از سوی دیگر، نارسا‌بی و روان نبودن ترجمه، عدم توجه به محدودفات قرآنی، ترجمه تحت اللفظی کنایه‌ها و استعاره‌ها و... از جمله کاستی‌های ترجمه‌های تحت اللفظی محسوب می‌شود. در همین راستا پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و شیوه‌ی تحلیل داده، به بررسی ترجمه‌های تحت اللفظی: دهلوی، شعرانی، مصباح‌زاده و معزی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ترجمه‌های تحت اللفظی قرآنی کریم در مقایسه با ترجمه‌های محتوایی، باوجود کاستی‌های خود، از برتری‌های نسبی نیز برخودارند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه تحت اللفظی قرآن، ترجمه محتوایی، زبان فارسی، نقد و بررسی.

## ۱- مقدمه

### ۱-۱- بیان مسأله

این نوشتار بر آن است تا ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر قرآن به زبان فارسی را مورد بحث و بررسی قرار داده و ویژگی‌های کلی هر یک از این ترجمه‌ها را مشخص نماید. ترجمه‌های تحت اللفظی از جمله ترجمه‌های متن محور محسوب می‌گردند به گونه‌ای که در مقایسه با سایر ترجمه‌ها، از تقید و وابستگی بیشتری نسبت به نص قرآن برخوردار بوده و برآنند تا تمامی ویژگی‌های واژگانی، دستوری و بلاغی زبان مبدأ را به همان شکل وارد زبان مقصد نمایند.

### ۲-۱- فرضیه تحقیق

مشخص نمودن روش‌های ترجمه قرآن کریم و بیان ویژگی‌های هر یک از این روش‌ها، نقش بسزایی در نقد و ارزیابی درست و منصفانه ترجمه‌های قرآن دارد. تاکنون تقسیم بندهای گوناگونی برای ترجمه‌های قرآن کریم ذکر شده، اما نکته بسیار مهم که فرضیه و زیربنای این مقاله را تشکیل می‌دهد این است که هر یک از انواع ترجمه، روش و رویکرد خاصی را دنبال کرده که در مبحث نقد و ارزیابی آنها باید مورد توجه قرار گیرد تا هر ترجمه بپایه و اساس روش مشخص شده خود، مورد بررسی قرار گیرد. به عبارتی دیگر هر یک از ترجمه‌های سه گانه تحت اللفظی، وفادار و آزاد، از ویژگی‌ها و اصول خاصی برخودار هستند که در نقد و بررسی آنها باید بدان توجه نمود.

### ۳-۱- پیشینه تحقیق

در ارتباط با ترجمه‌های تحت اللفظی قرآن کریم به زبان فارسی تاکنون تحقیقات متعددی به رشته تحریر در آمده است که برخی از آنها عبارتند از: محمدعلی رضایی اصفهانی (۱۳۸۳ش) در مقاله «روشها و سبکهای ترجمه قرآن» مجله ترجمان وحی (شماره ۱۵ بهار و تابستان)/ سیدمحمدحسن جواهری (۱۳۸۴ش) در مقاله «پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم» فصلنامه پژوهش‌های قرآنی (شماره ۴۲-۴۳)/ مهدی ناصری (۱۳۸۷ش) در رساله دکتری «منهجیة

الترجمات الفارسية المعاصرة للقرآن الكريم» (دانشگاه علامه طباطبائی) به راهنمایی دکتر جلال مرامی/علی نجار پوریان (1388ش) در مقاله «بررسی روشهای ترجمه فارسی قرآن در دوران معاصره» مجله رشد آموزش قرآن (دوره هفتم شماره ۱ پاییز)/عباس برومد اعلم در مقاله (1391ش) «بررسی ترجمه تحت лلغظی قرآن» پایگاه تحقیقاتی القرآن (تاریخ بازبینی: 93/5/12). علی‌رغم مقالات متعددی که تاکنون در خصوص بررسی انواع مختلف ترجمه‌های قرآنی صورت پذیرفته است اما تاکنون تا آنجایی که نگارندگان این مقاله مطلع هستند، پژوهشی مستقل و جامع در خصوص نقد و بررسی ترجمه‌های تحت лلغظی معاصر قرآن کریم صورت نپذیرفته است.

## ۲- ترجمه‌های تحت лلغظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی

ترجمه قرآن برای بیش از هزار سال، تحت лلغظی بوده و می‌توان گفت که تمامی ترجمه‌های کهن و برخی از ترجمه‌های جدید به این روش انجام شده است. در این روش تنها به عنصر معادل‌یابی اهمیت داده شده و واژه‌ها به صورت تک به تک و خارج از بافت کلام، ترجمه می‌گردد. به عبارتی دیگر مترجمان در این شیوه از ترجمه می‌کوشند تا با نهایت دقیق و احتیاط، کلمات و واژه‌های قرآن را در فارسی برابریابی نمایند. البته گفتنی است که پاییندی به متن مبدأ و احتیاط بیش از اندازه مترجم در این روش، از شیوه‌ای و رسایی متن مقصد کاسته و موجب می‌شود که خواننده در بسیاری از موارد، درک صحیحی از پیام زبان مبدأ نداشته باشد. نیومارک در بیان ترجمه تحت лلغظی اظهار می‌دارد که «در این نوع ترجمه ساختارهای دستوری زبان مبدأ به شبيهه ترین معادلهای آنها در زبان مقصد تغییر داده می‌شوند، اما در این روش هم، معنی قاموسی کلمات بدون توجه به متن ترجمه می‌شوند» (نیومارک، 1382ش: 57) ترجمه تحت лلغظی را می‌توان در زمرة ترجمه‌های مطابق و یا مقید و وابسته به متن مبدأ قرار داد؛ بدین سان که مترجم - در این گونه از ترجمه - می‌کوشد تا از نص قرآن فاصله نگرفته و بلکه همواره وابسته و مقید به متن قرآن باشد. تا جایی که مترجم در این روش، برآن است تا هیچ نکته نحوی، صرفی،

بلاغی، لغوی و ... را مورد غفلت قرار ندهد. برخی از مهم‌ترین ترجمه‌های تحت лفظی معاصر عبارتند از: ترجمه شاه ولی الله دهلوی، ترجمه ابوالحسن شعرانی، ترجمه محمد کاظم معزی، و ترجمه عباس مصباح‌زاده.

نگارندگان در این مقاله ترجمه‌های تحت лفظی را در دو محور نقاط قوت و ضعف مورد بررسی قرار می‌دهند. در محور نقاط قوت مطابقت ترجمه با متن قرآن، استفاده نکردن از افزوده‌های تفسیری، ترجمه ادوات تأکید و یکسان‌سازی در ترجمه (اسم) مورد بررسی قرار گرفته و در مبحث نقاط ضعف نیز سازگار نبودن با ساختار دستوری زبان مقصد، ترجمه کنایه‌ها و استعاره‌ها به صورت تحت лفظی، عدم توجه به حذف و تقدیر در ترجمه و یکسان‌سازی در ترجمه (فعال، اصطلاحات و...) مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

### 3- نقاط قوت

#### 3-1- مطابقت ترجمه با متن قرآن

ترجمه‌های تحت лفظی از جمله ترجمه‌های متن محور به شمار می‌آیند، به این معنی که همگام بودن و وابستگی آنها به متن مبدأ در بالاترین درجه خود قرار می‌گیرد؛ چرا که ترجمه‌های تحت лفظی ساختارهای نحوی، صرفی و لغوی متن مبدأ را بطور کامل وارد زبان مقصد می‌کنند. برای هر چه روشن‌تر شدن ویژگی‌های ترجمه‌های تحت лفظی، در ذیل، این ترجمه‌ها را در مقایسه با ترجمه‌های غیر تحت лفظی، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم. به همین منظور ترجمه سوره «قدر» را که در عین کوتاه بودن، نکات ترجمه‌ای فراوانی نیز دارد، برای بررسی تطبیقی انتخاب می‌نماییم: «إِنَّ أَنْزُلْنَا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر/1)

**ترجمه تحت лфظи:** همانا فرستادیمش در شب قدر (معزی). به درستی که فرستادیمش در شب قدر (مصباح‌زاده).

**ترجمه آزاد:** ما این قرآن عظیم الشأن را در شب قدر نازل کردیم (الهی قمشه‌ای). ما قرآن را در شب قدر که امور جهان هستی در آن مقدر می‌گردد، برتو فرستادیم (صفوی).

**ارزیابی:** روشن است که ترجمه آقایان: شعرانی، مصباحزاده و معزی، از ترجمه‌های مقید و یا وابسته به متن مبدأ به شمار می‌آیند، چرا که مترجمان محترم، ترجمه هر واژه را زیر همان واژه در متن قرآن قرار داده‌اند، از این رو آیه بدون کم و زیاد به زبان فارسی برگردان شده است. برای نمونه ملاحظه می‌شود که آقایان شعرانی و ... مرجع ضمیر (ه) را در ترجمه ذکر نکرده‌اند، و این به آن دلیل است که آنها تنها متن را ترجمه می‌کنند؛ در حالی که ترجمه‌های غیر مقید و به اصطلاح آزاد، مرجع ضمیر (ه) را در ترجمه آورده‌اند؛ بدین سان که این ضمیر را به (قرآن) برگردان نموده‌اند.

﴿وَ مَا أَذْرَئَكَ مَا لَيْلَةُ الْفَقْدِ﴾ (قدر/2)

**ترجمه تحتاللفظی:** و چه دانست چیست شب قدر (معزی). و چه چیز دانا کرد تو را که چیست شب قدر (شعرانی). و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر (دهلوی).

**ترجمه غیر تحتاللفظی:** و تو چه می‌دانی... (انصاریان). و تو چه دانی که... (فولادوند). و تو از کجا دانی که... (انصاری). چطور می‌توانی مجسم کنی که... (صفارزاده). و چه دانی که... (مجتبی). و تو چه دانی که... (ایتی). و تو چه می‌دانی که... (مکارم).

**ارزیابی:** همانگونه که ملاحظه می‌گردد (دری) از افعال دو مفعولی (سبیبی) و ماضی غائب است و معادل صحیح آن در فارسی می‌تواند افعالی از جمله: (آگاه کردن، خبردادن، مطلع ساختن و ...) باشد. این در حالی است که اغلب ترجمه‌های غیر تحتاللفظی - از جمله ترجمه‌های فوق الذکر - این فعل را به مضارع مخاطب (می‌دانی، دانی و مجسم کنی) برگدان نموده‌اند که این ترجمه اگر چه مطابق با ساختارهای زبان فارسی است، ولی با با وجود این چندان پاییند و وفادار به زبان مبدأ محسوب نمی‌گردد. این در حالی است که ترجمه‌های تحتاللفظی، فعل مذکور را در نهایت مطابقت با زبان مبدأ و به همان شکل اولیه خود به زبان فارسی برگدان نموده‌اند که در نتیجه همانگونه که ملاحظه می‌گردد ترجمه‌های تحتاللفظی یاد شده، فاقد سلاست و روانی لازم در زبان فارسی هستند ولی از جهت دیگر از نهایت دقیق و وفاداری در معادل یابی واژگانی برخوردارند.

البته گفتنی است که ترجمه (مأدرک) به (تو چه می دانی) اشتباه نیست؛ بلکه غرض این است که ترجمه‌های تحت لفظی از عبارت مذکور، ترجمه‌ای وفادار بوده و سایر ترجمه‌ها، ترجمه‌ای محتوایی محسوب می‌شوند.

﴿إِلَّا الْقَدْرِ حَيْثُ مَنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ (قدر/3)

شب قدر بهتر است از هزار ماه (معزی) و (شعرانی) و (صبحزاده)

﴿تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَادِينَ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَفْرِ﴾ (قدر/4)

فروود آیند فرشتگان و روح در آن به دستور پروردگارشان در هر کار (معزی). نازل می‌شوند فرشتگان و روح در آن به اذن پروردگارشان از هر امری (شعرانی). فروود آیند فرشتگان و روح در آن به اذن پروردگارشان از هر امری (صبحزاده).

﴿سَلَامٌ هُنَى حَتَىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾ (قدر/5)

تا وقت طلوع فجر محضر سلامتیست (دهلوی). سلامی است آن تا برآمدن بامداد (معزی).

سلامتست آن تا وقت طلوع صبح (شعرانی). سلامتی در آشپز تا طلوع فجر (صبح) (صبحزاده)

ارزیابی: همانگونه که ملاحظه می‌گردد آقایان: دهلوی، شعرانی، صبحزاده و معزی، آیات مذکور را از نظر لغوی - و نه معنایی - یک یک به زبان مقصد برگردان نموده‌اند، بدون اینکه به جهات دیگر زیان توجه‌ای داشته باشند. این شیوه از ترجمه، تحت لفظی نامیده می‌شود که در آن واژگان متن مبدأ بدون کم و زیاد بیان می‌شود، و مخاطب و مترجم از نص قرآن دور نمی‌شود. شایان ذکر است، برای مشخص کردن مواردی که مترجمان - به دلیل تقييد زیادشان به متن مبدأ. از قواعد فارسی سرپیچی کرده‌اند، زیر آن موارد خط کشیده‌ایم.

### 2-3- استفاده نکردن از افزوده‌های تفسیری

برخلاف ترجمه محتوایی و آزاد که از مطالب اضافی و افزوده‌های تفسیری بهره می‌گیرند، ترجمه‌های تحت لفظی - جز در مواردی نادر - از افزوده‌های تفسیری استفاده نمی‌کنند.

بررسی تطبیقی: **﴿بَئْثِ يَكَدَا أَبِي لَهَبٍ وَّ ثَبَ﴾** (مسد/1)

ترجمه تحتاللفظی: بریده باد دستهای ابی‌لهب و بریده باد (معزی). هلاک باد دو دست ابی‌لهب و هلاک باد ابو‌لهب (دهلوی). بریده باد دو دست ابی‌لهب بریده شدنی (مصطفی‌زاده).

ترجمه آزاد: دو دست ابولله ناکار آمد باد، و تلاش‌هایش بر ضد پیامبر بی‌اثر، و خودش نیز برای همیشه تباہ و از سعادت محروم باد! (صفوی)

**﴿مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ﴾** (مسد/2)

ترجمه تحتاللفظی: دفع نکند از او مال او و آنچه کسب کرده (شعرانی). کفایت نکند از او مال او و آنچه کسب کرده (مصطفی‌زاده). بی‌نیاز نکرد از او مالش و آنچه فراهم کرد (معزی).

ترجمه آزاد: مال و دارائی او و آنچه کسب کرده و بدست آورده است (که مقصود فرزندان اوست) باو سودی نخواهد داد و از او عذاب خدائی را دفع نمی‌کند. یا اگر ما موصوله باشد، یعنی چه چیز به حال او سود نخواهد داشت؟ مال او یا فرزند او به کار او نخواهد آمد؟ ... (خسروی). این مال و ثروت را که بدست آورده به حال او سودی نخواهد بخشید و عذاب الهی را از او دفع نخواهد کرد (صفارزاده).

**﴿سَيِّضَلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ﴾** (مسد/3)

ترجمه تحتاللفظی: زود باشد که در آید آتش را صاحب زیانه (شعرانی). خواهد درآید به آتش صاحب شعله (دهلوی). زود است بچشد آتشی شعله ور (معزی).

ترجمه آزاد: ابولله در آخرت به آتشی شعله ور شدید داخل شده، معذب خواهد شد (نوبیری).

به زودی به آتشی زیانه دار در می‌آید و برای همیشه در آن ماندگار نخواهد بود (صفوی).

**﴿وَ اهْرَأْنَهُ حَمَالَةً الْحَطَبَ﴾** (مسد/4)

ترجمه تحتاللفظی: وزن او که بردارنده هیمه است (شعرانی). وزن او بردارنده هیزم (معزی). وزن او که بردارنده هیزم است (مصطفی‌زاده).

ترجمه آزاد: زن او (جمیل) هم همراه او به همان منزل داخل خواهد شد همان زنی که شغل او کشیدن خار و خاشاک و اذیت به رسول خدا بوده است. (نوبری)  
﴿فِيْ حِيدَهَا حَبْلٌ مِّنْ مَسَدٍ﴾ (مسد/5)

ترجمه تحتاللفظی: در گردن او رسنی است از لیف خرما (دهلوی). در گردن او ریسمانی است از لیف خرما (شعرانی). در گردنش بندی است از لیف خرما (معزی).  
ترجمه آزاد: در حالی که در گردن آن زن ریسمانی است باfte از لیف و پوست درخت خرما (که هیزم را بآن می‌بست تا هنگامی که همان ریسمان بگردنش بند شد، و هر چه کوشید خود را نجات داده و برهاند گره کورتر و زیر آن ریسمان هلاک و تباہ شد ... (فیض الإسلام). و در گردنش طنابی است از لیف خرما [بجای گردنبند جواهر نشان و این طناب چون به آتش جهنم بر سر شعله‌ای بر گردن او خواهد شد]. (صفارزاده)

ارزیابی: نکته قابل توجه در خصوص گروه نخست از مترجمان: دهلوی، شعرانی، مصباح‌زاده و معزی، این است که آنان تلاش کرده‌اند تا تنها واژگان زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل نمایند بدون آنکه به دنبال انتقال پیام و یا محتوای زبان مبدأ باشند و از این رو ملاحظه می‌گردد که این مترجمان از هیچ افروده تفسیری نیز در ترجمه خود بهره نگرفته‌اند. این در حالی است که گروه دوم از مترجمان: صفوی و نوبری و ... برآورده تا پیام زبان مبدأ را به صورت کامل و بدون دغدغه محدودیت الفاظ و کلمات به زبان مقصد منتقل نمایند و از این رو می‌بینیم این گروه از مترجمان از افزوده‌های تفسیری و توضیحات لازم برای روشن کردن معنای زبان مبدأ بهره گرفته‌اند. گفتنی است برای مشخص‌تر شدن توضیحات و افزوده‌های ترجمه گروه دوم، زیر آنها خط کشیده شده است.

### 3-3- ترجمه ادوات تأکید

تفید و وابستگی ترجمه‌های تحتاللفظی به متن مبدأ تا جایی است که ظرایف و نکات دستوری زبان مبدأ بیش از زبان مقصد مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله این ظرایف دستوری

توجه به ادوات تأکید می‌باشد. اسلوب تأکید یکی از وجوده مهم عناصر بلاگت قرآن کریم است. خداوند متعال برای تأکید در کلام و ثبیت معنا در ذهن و اندیشه مخاطب، اسلوب‌های خاصی را به کار می‌گیرد. این اسلوب‌ها به صور مختلف و درجهٔ تاثیر عمیق و بازنایی در بین در جان شنونده وهم چنین تقریر معنی در ذهن و اندیشه مخاطب به کار می‌رود. اما با این وجود، این جنبه از اعجاز در بسیاری از ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، مورد توجه لازم قرار نگرفته است. البته در این میان، ترجمه‌های تحتاللفظی تلاش می‌کنند تا تمامی تاکیدات زبان قرآن را به زبان فارسی ترجمه کنند که در زیر به بخشی از این موارد اشاره می‌کنیم.

### 3-3-1- ترجمه «إن»

«إِنَّا أَنْزَلْنَا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر/1)

ترجمه تحتاللفظی: همانا فرستادیمش در شب قدر (معزی). هر آئینه ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر (دهلوی). به درستی که ما فرو فرستادیمش در شب قدر (شعرانی). به درستی که فرستادیمش در شب قدر (مصطفاچزاده).

برای هر چه روشن تر شدن تفاوت میان این گونه از ترجمه با گونه‌های دیگر ترجمه، ترجمه‌های تحتاللفظی را با برخی از ترجمه‌های غیر تحتاللفظی مقایسه می‌کنیم: ما آن را در شب قدر فرو فرستادیم (رهنمای). ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم (مکارم). ما در شب قدرش نازل کردیم (آیتی). ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم (فولادوند). ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم (نصراییان).

ارزیابی: ملاحظ می‌گردد که ترجمه‌های تحتاللفظی، ادات تأکید (إن) را به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند، در حالی که سایر ترجمه‌ها توجه‌ای به ترجمه این ادات تأکید نداشته‌اند.

### 3-3-2- ترجمه «إنما»

«قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (ملک/26)

ترجمه تحتاللفظی: بگو جز این نیست که علم نزدیک خداست و جز این نیست که من ترساننده آشکارم (دھلوی). بگو جز این نیست که علم نزد خداست و جز این نیست که منم بیم دهنده آشکار (شعرانی). بگو جز این نیست که علم نزد خدا است و جز این نیست که منم ترساننده آشکار (معزی). بگو جز این نیست که علم نزد خداست و جز این نیست که من بیم دهنده‌ام آشکارا (صبح‌زاده).

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ﴾ (انفال/2)

ترجمه تحتاللفظی: جز این نیست که مومنان آنانند که... (دھلوی). جز این نیست گروندگان آنانند که ... (شعرانی). جز این نیست که مؤمنان آنانند که ... (معزی). جز این نیست گروندگان آنانند که ... (صبح‌زاده)

ارزیابی: چنان که ملاحظه می‌شود ترجمه‌های تحتاللفظی به حصر موجود در دو آیه مذکور توجه داشته و (إنما) را با عبارت (جز این نیست) ترجمه کرده‌اند؛ که این دلالت بر اهتمام مترجمان یادشده بر ترجمه ادوات تأکید دارد. هم‌چنین شایان ذکر است که این ترجمه‌ها کلمه (إنما) را در آیاتی دیگر مانند (آل عمران/۱۵، النساء/۱۷، المائدة/۹۰، الأنعام/۱۰۹، التوبه/۲۸، التوبه/۳۷ و ...) نیز به همان شکل برگردان نموده‌اند.

3-3-3- ترجمه «نون تاکید»  
﴿فَالْقَاتُ لَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتَنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاوَذْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمْرَهُ لَيُسْجِنَنَّ وَ لَيُكُوَّنَّ مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ (یوسف/32)

ترجمه تحتاللفظی: گفت این است آنکه مرا بدرو نکوهش می‌کردید و همانا کام از او خواستم ولی خودداری کرد و اگر نکند آنچه بفرمایمش همانا زندانی شود و هر آینه بگردد از زبونان (معزی)  
... و هر آینه اگر نکند آنچه فرمایم او را هر آینه محبوس شود البته و هر آینه خواهد شد از خوار شدگان. (شعرانی)

... و اگر نه کند آنچه میفرمایم او را البته بزندان کرده شود و البته باشد از  
خوارشدنگان (دھلوی)

... و هر آینه اگر نکند آنچه فرمایم او را هر آینه محبوس شود البته و هر آینه خواهد  
شد از خوارشدنگان (مصطفی‌زاده)

ارزیابی: چنانکه ملاحظ می‌گردد مترجمان محترم: معزی و شعرانی و ... نون تأکید در دو فعل (لیسجنت) و (لیکونت) را به فارسی ترجمه کرده‌اند، که این خود بیانگر توجه و افر آنان به انتقال معنای دقیق الفاظ و ظرایف دستوری و لغوی آنهاست.

﴿قَالَ أَرَاغِبُ أَنْتَ عَنِ الْهَتَّىٰ يَإِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ شَتَّهُ لَأَرْجُمَنَّكَ وَ اهْجُرْنِي مَلِيَّاً﴾ (مریم/46)

ترجمه تحتاللفظی: گفت آیا رو گردانی تو از معبدان من ای ابراهیم اگر باز نه ایستی البته سنگسار کنم ترا و ترک صحبت من کن مدتی درازی (دھلوی). ... هر آینه اگر باز نایستی هر آینه سنگسارت کنم و دور شو از من مدتی مديدة (مصطفی‌زاده). ... هر آینه اگر باز بایستی هر آینه سنگسار کنم ترا و دوری کن از من مدتی مديدة (شعرانی). ... هر آینه سنگسارت می‌کنم و دوری گزین از من روزگاری دراز (یا اندک اندک) (معزی)

ارزیابی: اعراب کلمه (لأرجمنّك) چنین آمده است: «اللام واقعه في جواب القسم و مضارع مبني على الفتح لاتصاله بنون التوكيد التقيلة و الفاعل مستتر و الكاف في محل نصب مفعول به و الجملة لا محل لها لأنها جواب قسم و جواب الشرط محدوظ». (الدعاس، 1425، ج 2: 144) همان گونه که ملاحظه می‌شود مترجمان محترم به ترجمه نون تأکید در این فعل توجه داشته‌اند، و این بیانگر عنایت و دقت این نوع ترجمه‌ها در ترجمه ادوات تأکید می‌باشد.

هم‌چنین قابل ذکر است که دھلوی و معزی گاهی توجه به ترجمه نون تأکید، نداشته‌اند مانند: ﴿وَ وَصَىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَيْهُ وَ يَعْقُوبُ يَا بَنَىٰ إِنَّ اللَّهَ اضطَفَنِي لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُؤْنَنَ إِلَّا وَ أَئْنَمْ مُسْلِمُونَ﴾ (قره/132)

و وصیت کرد به این کلمه ابراهیم پسران خود را و یعقوب نیز فرزندانش را ای فرزندان من هر آئینه خدا برگزیده است برای شما این دین را پس ازین جهان نروید مگر مسلمان شده (دھلوی). و وصیت کرد بدان ابراهیم فرزندان خویش را و یعقوب ای فرزندان من همانا برگزید خدا برای شما دین را پس نمیرید جز آنکه باشید مسلمانان (معزی). پس نباید که بمیرید البتہ مگر ... (شعرانی). پس نباید که بمیرید البتہ مگر ... (صبحاً زاده).

**ارزیابی:** چنان که مشاهده می‌شود دھلوی و معزی در مقایسه با سایر ترجمه‌ها، توجه لازم را به ترجمه نون تأکید در (تموّن) نداشته‌اند.

#### 3-4-3- یکسان سازی در ترجمه (اسم)

از اصول بسیار مهمی که تاکنون در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم توجه شایانی به آن نشده است، یکسان سازی در ترجمه مشابهات قرآن است. این مشابهات خود به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که لازم است در ترجمه قرآن کریم آنها را همانند و یکسان ترجمه کرد. اصول یکسان سازی ترجمه عبارت است از:

یکسان سازی در ترجمه اسم‌ها، فعل‌ها، حروف، ترکیب‌ها و عبارات، جمله‌ها، آیات و ساختارهای نحوی و صرفی مشابه.

ترجمه‌های تحت اللفظی از میان موارد یاد شده، یکسان سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کنند که این مسئله می‌تواند از نقاط قوت این ترجمه‌ها به حساب آید. البته از سوی دیگر این ترجمه‌ها اغلب، یکسان سازی در ترجمه فعل‌ها، حروف و ... را رعایت نمی‌کنند که این مسئله نیز از کاستی‌های این ترجمه‌ها به شمار می‌آید.

#### 3-4-1- ترجمه اسم‌های مشابه

ترجمه‌های تحت اللفظی از جمله ترجمه‌های متن محور و مقید محسوب می‌گردند؛ چرا که در این روش از ترجمه واژگان متن مبدأ با همان چینش اصلی خود وارد زبان مقصد می‌گردد، ولی افزون بر این موضوع، برای اینکه ترجمه‌های تحت اللفظی از بالاترین تقيید

و وابستگی نسبت به زبان مبدأ برخوردار باشد، باید کلماتی را که در لفظ و معنا مشترک بوده را نیز بطور یکسان و یکدست به زبان مقصد منتقل نمایند. از این رو شایسته و بایسته این است که مترجم در این روش از ترجمه، اسم‌های مشترک و بویژه نام‌های خداوند از قبیل: تواب، جبار، حکیم، حمید، خبیر، رحمن، رحیم، رؤوف، رب، سمیع، شهید، علیم، عزیز، عظیم، غنی، غفور، علی، غفار، قوی، قدوس، قادر، قادر، کبیر، کریم، لطیف، مهیمن، مجید، متعال و... را همگون و منسجم، به زبان فارسی برگرداند، چرا که تمامی این نام‌ها در خود متن مبدأ یکسان بکار رفته‌اند.

#### «قدیر» 1-1-4-3

﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (تعابن/1)، تسبیح می‌گوید خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است او راست پادشاهی و او راست ستایش و او بر هر چیزی تواناست (صبحزاده)... و اوست بر همه چیز تواننا (شعرانی). و او است بر همه چیز توانا (معزی). و او بر همه چیز توانست (دهلوی).

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (ملک/1)

افزون آمد آنکه به دست اوست پادشاهی و او بر همه چیز توانست (صبحزاده). ... و اوست بر هر چیزی توانا (شعرانی). ... و اوست بر همه چیز توانا (معزی). ... و او بر همه چیز توانست (دهلوی).

ارزیابی: همانگونه که ملاحظه می‌شود تمامی ترجمه‌های تحت الفظی، کلمه «قدیر» را در آیات پیشین، همگون و یکسان به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند. گفتنی است که مترجمان یاد شده کلمه «قدیر» را در بسیاری از آیات دیگر نیز به معنای (توانا) ترجمه کرده‌اند که به دلیل ضيق مجال تنها به ذکر شماره آیات بستنده می‌نماییم: بقره/20، بقره/106، بقره/109، بقره/148، بقره/259، بقره/284، آل عمران/26، آل عمران/165، آل عمران/184، مائده/17، مائده/19، مائده/40، مائده/120، أنعام/17، أنعام/41، و...

### 3-2-1-4-2- «عزیز»

«الْعَزِيزُ: من صفات الله عَزَّ وَجَلَّ وأسمائه الحسنى قال الزجاج: هو الممتنع فلا يغلبه شيء، وقال غيره: هو القوى الغالب كل شيء، وقيل: هو الذي ليس كمثله شيء...» (ابن منظور، 1414ق، ریشه: عز)

﴿فَإِنْ رَّلَّمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَأَغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره/209)

پس اگر به لغزیدید بعد از آن که آمد به شما سخنان روشن پس بدانید که خدا غالباً دانست (دهلوی). ... غالباً درستکردار است (مصطفاً زاده). ... عزّتمند حکیم (معزی). ... غالباً درست کردار است (شعرانی).

﴿فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُحْلِفًا وَعَلِيهِ رُشْلَةٌ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو اِنْتِقامٍ﴾ (ابراهیم/47)

پس میندار خدا را خلاف کننده و عده خود را با رسولان خود. هر آئینه خدا غالباً صاحب انتقام است (دهلوی). که خدا غالباً صاحب انتقام است (مصطفاً زاده). همانا خدا عزّتمند است دارای انتقام است (معزی). که خدا غالباً صاحب انتقام است (شعرانی).

ارزیابی: اصل یکسان سازی در ترجمه آیات پیشین نیز از سوی ترجمه‌های تحت اللفظی رعایت شده است. مترجمان مذکور ترجمه کلمه (عزیز) را در آیات ذیل نیز به همان شکل ترجمه کرده‌اند که تنها به شماره آیات بسنده می‌کنیم: بقره/220، بقره/228، بقره/240، بقره/260، آل عمران/4، مائده/38، مائده/95، أنفال/10، أنفال/49، أنفال/63،

أنفال/67، توبه/40، توبه/71، حج/40، حج/74، لقمان/27، فاطر/28، وحدید/25.

شایان ذکر است که ترجمه‌های تحت اللفظی تقریباً تمامی اسم‌های مشابه در لفظ و معنا را با در نظر گرفتن مسئله وجوده و نظایر یکسان به زبان فارسی برگردان نموده‌اند و مواردی که در این مقاله بدان اشاره گشت مصدق مشتی از خروار را دارد.

#### ۴- نقاط ضعف

##### ۱-۱- سازگار نبودن با ساختار دستوری زبان مقصد

همانطور که پیش از این گفته شد، ترجمه تحتاللفظی معمولاً دور از فهم خواننده است، چرا که غالباً ساختار صحیح جمله بندی فارسی در آن رعایت نمی‌شود. بدین سان که ساختارهای نحوی، صرفی و لغوی متن مبدأ عیناً وارد زبان مقصد می‌شود؛ از این روی عناصر و سازه‌های نحوی در زبان مقصد (زبان فارسی)، فاقد نظم و ترتیب سازگار با ساختار نحوی آن زبان است. نمونه: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِإِصْحَابِ الْفَيلِ﴾ (فیل/۱)

آیا ندیدی که چگونه کرد پروردگار تو با اصحاب فیل (شعرانی). آیا ندیدی که چگونه کرد پروردگارت با ایشان فیل (atsbyazde).  
﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ﴾ (الفیل/۲)

آیا ناساخت بداندیشی ایشان را در بی‌فائندگی (دھلوی). آیا نگردانید حیله ایشان را در گمراهی (atsbyazde). آیا نگردانید مکر ایشان را در تباہی (شعرانی). آیا نگردانید نیرنگ آنان را در گم‌گشتگی (معزی). ﴿وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَايِلَ﴾ (فیل/۳) و فرستاد بر ایشان مرغانی گروه گروه (atsbyazde). و فرستاد برای ایشان نوعی پرنده فوج فوج (شعرانی). و فرستاد بر ایشان مرغانی گروه گروه (معزی). می‌انداخت به سوی ایشان سنگریزه‌ها از سنگ گل (دھلوی).  
﴿تَرْمِيمُهُمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجْلٍ﴾ (فیل/۴)

می‌افکنندن بر ایشان (پرتاب می‌کردن) سنگی را از سجیل (معزی). که می‌انداخت به آنها سنگهای از گل (atsbyazde). که می‌انداخت ایشان را بسنگی از سجیل (شعرانی). می‌انداخت به سوی ایشان سنگریزه‌ها از سنگ گل (دھلوی).  
﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ﴾ (فیل/۵)

پس گردانید ایشان را چون برگ خورده شده (شعرانی). پس گردانیدشان مانند کاه خرد شده (atsbyazde). پس گردانیدشان مانند خوش (یا برگی) خورده شده (معزی). پس ساخت ایشان را مانند آخر باقی مانده بعد از خوردن دواب (دھلوی).

ارزیابی: بدیهی است که هر زبان ساختار و چینش ویژه خود را دارد. اما چنانکه ملاحظه می‌شود تقدیم و وابستگی بیش از اندازه ترجمه‌های تحت اللفظی به زبان مبدأ، موجب می‌شود تا متن ترجمه در زبان مقصد از زبان معیار فاصله بگیرد؛ به گونه‌ای که بر خلاف جمله بندي فارسی در این شیوه، ترجمه « فعل » بر « فاعل » مقدم می‌گردد که البته در ترجمه‌های پیشین، این موارد را مشخص نموده ایم.

البته گفتنی است که گاهی برخی از این ترجمه‌ها برخلاف اصول و مبانی ترجمه تحت اللفظی‌شان، از چینش زبان مقصد پیروی می‌نمایند: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْب﴾ (قره 3) که به نادیده ایمان آورند ... (معزی). آنان که ایمان می‌آرند به نادیده ... (دهلوی). آنان که می‌گروند به آنچه پنهانست ... (شعرانی) (مصطفی‌زاده).

ارزیابی: همانگونه که ملاحظه می‌شود، ترجمه معزی در این مورد از اصول ترجمه تحت اللفظی خارج گشته است چه آنکه ایشان در ترجمه، کلمه ( بالغیب ) را به ( يُؤْمِنُونَ ) مقدم نموده‌اند در صورتی که ترجمه تحت اللفظی این عبارت باید این چنین ذکر می‌شد: (که ایمان آورند به نادیده). البته گفتنی است که سایر ترجمه‌ها تحت اللفظی بدین مسأله توجه لازم را داشته و اصول ترجمه تحت اللفظی را در این آیه به درستی رعایت نموده‌اند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَّسُ فَلَا يَمْرُبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾ (توبه 28)

ای آنان که ایمان آوردید جز این نیست که مشرکان پلیدند پس نزدیک نشوند مسجد حرام را پس از سالشان این (مسال) و ... (معزی). ... بعد از این سال ... (دهلوی). ... بعد از امسال ... (مصطفی‌زاده). ... پس از سالشان این سال ... (شعرانی).

ارزیابی: تنها ترجمه‌ای که عبارت ( عامِهِمْ هَذَا ) را تحت اللفظی ترجمه کرده، ترجمه معزی است که با عبارت ( سالشان این ) به این مطلب اشاره کرده است. البته ترجمه معزی نیز در داخل پرانتز، ترجمه معادل این عبارت را (مسال) بیان نموده

است. سایر ترجمه‌ها نیز - دهلوی، مصباح‌زاده و شعرانی - با وجود تحت‌اللفظی بودنشان، عبارت مذکور را غیر تحت‌اللفظی برگردان نموده‌اند.

#### 2-4- ترجمه کنایه‌ها و استعاره‌ها به صورت تحت‌اللفظی

ترجمه تحت‌اللفظی، روش مناسبی برای ترجمه کنایه‌ها و استعاره‌ها به شمار نمی‌آید، چرا که این شیوه، استعاره و کنایه را به صورت مبهم برگردان نموده و موجب تشویش در فهم مراد و گاهی خیانت در امانت می‌گردد. شاهد مثال: «ذلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهُ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقَوْنَ أَفْلَامَهُمْ أَيْمَنْ يَكْفُلُ مَزِيمَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُخَصِّمُونَ» (آل عمران/44)

ای محمد این خبرهای غیب است وحی کردیم آن را به‌سوی تو و تو نبودی نزدیک آن قوم چون می‌انداختند قلمهای خویش را ... (دهلوی). ... هنگامی که می‌انداختند قلمهایشان را که کدامشان پایندانی کنند مریم را (شعرانی). ... گاهی که می‌افکنند قلمهای خویش را که کدامین کفیل شوند مریم را ... (معزی)، هنگامی که می‌انداختند قلمهای خود را که کدامشان کفیل شوند مریم را ... (مصطفی‌زاده).

از نمونه ترجمه‌هایی که معنای مجازی این کنایه را منتقل کرده‌اند: ... و گر نه آن گاه که قرعه زدن تا چه کسی از میانشان عهده‌دار نگهداری مریم شود... (ایتی). ... آن موقع که قرعه می‌انداختند که کدام یک سرپرستی مریم را به عهده بگیرند ... (رفع). ... آن زمان که برای نگهبانی مریم قرعه می‌زدند ... (بروجردی) و...

ارزیابی: (إِذْ يُلْقُوْنَ أَفْلَامَهُمْ): انداختن قلمهای خویش، کنایه از قرعه‌انداختن است. چنانچه صاحب اعراب القرآن و بیانه می‌گوید: «الكنایة في قوله: (يُلْقُوْنَ أَفْلَامَهُمْ) عن القرعة». (درویش ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۱۱) و چنانچه ملاحظه می‌گردد ترجمه‌های تحت‌اللفظی به دنبال انتقال ساختاری ظاهری و لفظی کنایه مورد نظر بوده‌اند و هیچ یک از آنها نتوانسته‌اند معنا و پیام اصلی کنایه مذکور را به فارسی منتقل نمایند. این در حالی است که ترجمه‌های غیر

تحت اللفظی در این زمینه موفق عمل کرده و معنای اصلی عبارت (*يُلْقَوْنَ أَقْلَامَهُمْ*) را که همان (قرعه زدن) است، به درستی در ترجمه خود منعکس کرده‌اند.

**﴿وَ لَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَ رَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلَّوْا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَزْحَمْنَا رَبِّنَا وَ يَغْفِرْنَا لَنَا لَنَجْوَنَّ مِنَ الْحَاسِرِينَ﴾** (اعراف/49)

و چون نادم شدند و دیدند که ایشان گمراه شدند گفتند ... (دهلوی). و چون افکنده شد در دسته‌اشان و دیدند ... (صبح‌زاده). و هنگامی که افتاد در دست ایشان و دیدند ... (معزی). و چون افکنده شد در دسته‌اشان و دیدند ... (شعرانی).

ارزیابی: عبارت (*سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمَا*) در این آیه کنایه از پشیمان شدن است چنانچه که بیضاوی در این باره آورده است که (وَ لَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ: کنایه عن اشتداد ندمهم فإن النادم المتحرسر بعض يده غما فتصیر يده مسقوطا فيها). (البیضاوی، 1418ق، ج 3: 35) و همانگونه که مشاهده می‌شود دهلوی کنایه (*سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمَا*) را به (نادم شدند) ترجمه کرده که ترجمه‌ای محتوایی به حساب می‌آید. این در حالی است که سایر مترجمان، کنایه مذکور را تحت اللفظی و با عباراتی مانند (افکنده شد در دسته‌اشان و ...) ترجمه نموده‌اند.

#### 3-4- عدم توجه به حذف و تقدیر

جمله‌ها و عبارات محذوف در قرآن کریم بسیار فراوان است. این پدیده با توجه به شفوی بودن قرآن و تکیه بر قرائن خارجی و به دلایل بلاغی مانند ایجاز و یا به دلیل واضح بودن محذوف، در جای جای قرآن کریم وجود دارد. عمدۀ ترین موارد حذف در قرآن کریم عبارتند از حذف در اسالیب قسم، جواب شرط، و مبتدأ و خبر، و مضاف و مضاف‌الیه، و مفعول به و ...

در ترجمه تحت اللفظی، واژگان متن مبدأ از نظر لغوی - و نه معنایی و محتوایی - یک به یک به زبان مقصد ترجمه می‌شوند، بدون آنکه به جهات دیگر زبان ازجمله عبارات یا جمله‌های محذوف آن توجهی شود: **﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبَنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ إِبَاءَنَا أَ وَ لَوْ كَانَ ءاباؤهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْنَا وَ لَا يَهْتَدُونَ﴾** (مائده/104)

و چون گفته شود ایشان را بباید به سوی آنچه فرو فرستاده است خدا و به سوی پیغمبر گویند: بس است ما را آنچه برآن یافتیم پدران خود را و اگر چه پدران ایشان هیچ نمی‌دانستند و هیچ راه نمی‌یافتد (دهلوی). ... و اگر چه باشد پدرانشان که ندانند چیزی را و راه چیزی را و راه نیابند (شعرانی). ... و اگر چه باشد پدرانشان که ندانند چیزی را و راه نیابند (مصطفی‌زاده). ... اگرچه پدران ایشان ندانند چیزی را و نه راه ببرند (معزی).

از جمله ترجمه‌های غیر تحتاللفظی آیه پیشین: ... آیا در هر حال از راه و رسم پدرانشان پیروی می‌کنند، هر چند پدرانشان خود چیزی نمی‌دانستند و از سوی کسی نیز هدایت نشده بودند (صفوی). ... آیا باید از پدران خود هر چند مردمی جاهم بوده و به حق راه نیافته باشند باز پیروی کنند؟ (الهی قمشه‌ای). آیا هر چند که پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و راه نمی‌یافتد [باز هم از آنان پیروی می‌کنند؟]؟ (مجتبی‌ی).

ارزیابی: «(لو) در آیه پیشین، حرف شرط غیر جازم است که جواب شرط آن محدود بوده و تقدیر آن بدین گونه است: آیا اینگونه می‌گویند؟» (درویش، ۱۴۱۵ق، ج: ۳) آیا صحیح است بگویند؟ و یا این که: از آنها پیروی می‌کنند؟ با دقت در ترجمه‌های آیه یاد شده، ملاحظه می‌شود که میان حذف و انواع ترجمه، تناسب و ارتباطی تنگاتنگی وجود دارد، به گونه‌ای که ترجمه‌های تحتاللفظی، توجه‌ای به ترجمه جواب لو نداشته‌اند و در مقابل ترجمه‌های محتوای و آزاد، توجه بیشتری به ترجمه جواب شرط محدود داشته‌اند. از این رو چنانکه مشاهده می‌گردد، ترجمه‌های شعرانی، معزی، و مصباح‌زاده هیچ اشاره‌ای به جواب شرط محدود نکرده‌اند و در مقابل سایر مترجمان هر یک به شکلی تلاش کرده‌اند تا جواب شرط محدود را در ترجمه خود نشان دهند. البته گفتنی است که ترجمه دهلوی علی‌رغم تحتاللفظی بودنش، همانند ترجمه‌های محتوای عمل نموده و جواب شرط محدود را در ترجمه خود منعکس نموده است.

﴿قَ وَ الْمُؤْمِنُونَ الْمُجِيدُونَ﴾ (ق/1)

بقرآن بزرگوار. (شعرانی). ق سوگند به قرآن گرامی (معزی). قسم به قرآن بزرگوار (مصبحزاده)، قسم به قرآن با بزرگی که تو پیغمبر خدائی (دهلوی).

ارزیابی: (واو) در این آیه واو قسم است، و جواب قسم، محدودف بوده که تقدیر آن این گونه است: که ما محمد را فرستادیم، و یا تو پیغمبر خدائی و ... و چنانکه ملاحظ می‌شود تنها آقای دهلوی جواب قسم محدودف را در ترجمه خود منعکس کرده است.

#### 4-4- یکسان سازی در ترجمه (افعال، اصطلاحات و...)

همانگونه که پیش از این در بخش نقاط قوت ترجمه‌ها ذکر شد، ترجمه‌های تحت اللفظی یکسان سازی اسم‌های مشابه را در ترجمه رعایت کرده‌اند، اما این ترجمه‌ها از سوی دیگر به یکسان سازی افعال، حروف، ترکیب‌های مشابه و... آنچنان که در خور ترجمه‌های تحت اللفظی است، توجه‌ای نداشته‌اند. برای اثبات این ادعا به بررسی تطبیقی ترجمه‌های یاد شده در این خصوص می‌پردازیم.

##### 4-4-1- یکسان سازی ترجمه افعال

1-1-4-4- «یَشْكُرُون» یا «لَا يَشْكُرُون» در ترجمه دهلوی، مصبحزاده و معزی آ. دهلوی: سپاس نمی‌کنند (قره/243). شکرگزاری می‌کنند (اعراف/58)، سپاسداری نمی‌کنند (یونس/60)، شکر نمی‌کنند (یوسف/38)، شکر نمی‌گذارند (س/73). ب. مصبحزاده: شکر نمی‌کنند (قره/243)، شکرگزاری کنند (ابراهیم/37)، سپاس نگذارند (غافر/61). ج. معزی: سپاس نمی‌گذارند (قره/243)، شکرگزارند (اعراف/58)، سپاس نگذارند (یونس/60).

##### 4-2-1-4-4- «يَنْفِقُون» در ترجمه معزی، شعرانی و مصبحزاده

آ. معزی: ببخشند (قره/3)، انفاق کنند (قره/215)، بخشنند (قره/261)، می‌بخشنند (قره/265)، دهنند (نساء/38). ب. شعرانی: انفاق می‌کنند (قره/3)، صرف می‌کنند (توبه/91)، نقهه می‌کنند (شوری/38). ج. مصبحزاده: انفاق می‌کنند (قره/3)، صرف می‌کنند (توبه/91).

#### 4-3-1-4-4 «يَحْلِفُونَ» فی ترجمه مصباحزاده و شعرانی

أ. مصباحزاده: قسم می خورند (نساء/62)، سوگند می خورند (توبه/56)، سوگند یاد می کنند (مجادله/18). ب. شعرانی: قسم می خورند (نساء/62)، سوگند می خورند (توبه/56)، سوگند یاد می کنند (مجادله/14).

#### 4-4-1-4-4 «يُوقِنُونَ» در ترجمه دھلوی و معزی

أ. دھلوی: یقین دارند (قره/4)، یقین می کنند (قره/118)، یقین می آرند (النمل/3)، یقین می دارند (لقمان/4)، باور نمی کنند (طور/36). ب. معزی: یقین دارند (قره/4) ایشانند یقین دارندگان (لقمان/4).

#### 4-5-1-4-4 «يُؤْمِنُونَ» در ترجمه دھلوی، شعرانی و معزی

أ. ترجمه دھلوی: ایمان می آرند (قره/3)، باور می دارند (قره/121)، معتقد می شوند (نساء/51)، ایمان آورده‌اند (انعام/54)، ایمان دارند (انعام/99). ج. شعرانی: می گروند (قره/3)، ایمان می‌آرند (نساء/51). د. معزی: ایمان آوردنند (قره/3)، ایمان آرند (قره/121)، ایمان آورند (آل عمران/114).

ارزیابی: افعال یاد شده در آیات مذکور با یک لفظ و به یک معنا به کار رفته‌اند. اما با وجود این ملاحظه می‌گردد که تقریباً تمامی مترجمان، این افعال را در آیات مختلف، به گونه‌های متفاوتی ترجمه کرده‌اند که این مسئله عدم توجه کامل آنها به اصل یکسان‌سازی در ترجمه افعال را مبرهن می‌سازد.

#### 4-4-2-4-4 یکسان‌سازی اصطلاحات و ترکیب‌های مشابه

برخی از مهم‌ترین اصطلاحات و ترکیب‌هایی که در قرآن کریم بطور همگون و مشابه آمده و مترجم نیز باید آنها را به یک شکل به زبان مقصد منتقل نماید عبارتند از: «ملة إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا»: (قره/135، آل عمران/95، نساء/125، انعام/161، نحل/123). «أُولَى الْأَلْبَاب»:

(قره/179، بقره/269، آل عمران/71، آل عمران/190، مائدہ/100، رعد/19 و...). **﴿أَجِلٌ مُسَمًّى﴾**: (قره/282، أنعام/2، أَنْعَام/60، هود/3، رعد/2، إبراهيم/10، نحل/61، حج/53، حج/33 و...). **﴿الْيَوْمَ الْآخِر﴾**: (عنکبوت/36، أحزاب/21، ممتلكه/69). **﴿غَيْرٌ بَاغٌ وَلَا عَادٌ﴾**: (قره/173، أنعام/145، نحل/115). **﴿الْعُرْوَةُ الْوُتْقِيَّة﴾**: (قره/256، لقمان/22). **﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالْزُّبُر﴾**: (آل عمران/184، نحل/44، فاطر/25). **﴿مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾**: (آل عمران/14، توبه/38، الزخرف/35). **﴿بِالْفُلُوْدِ وَالْأَصَالِ﴾**: (اعراف/205، رعد/15، نور/36). **﴿ذَاتِ الصَّدُور﴾**: (آل عمران/119، آل عمران/154، مائدہ/7، أَنْفَال/43، هود/5، لقمان/31، فاطر/38، و...). **﴿الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَخْبَار﴾**: (مائدہ/44، مائدہ/63). **﴿فَاقْسِرَاثُ الطَّرْوِ﴾**: (صفات/48، ص/52). **﴿رَحْمَن﴾**: (56). **﴿الَّذَّارُ الْآخِرَة﴾**: (قره/94، أعراف/169، قصص/83). **﴿حَمْدُوَهُ اللَّه﴾**: (قره/229، بقره/230). **﴿لَا رَبِّ فِيهِ﴾**: (قره/2، آل عمران/9، آل عمران/25، نساء/87، أنعام/12، يونس/37، إسراء/99) و...

بررسی تطبیقی اصل یکسان سازی اصطلاحات و ترکیب‌های مشابه:

۱-۲-۴-۴-۱- «**﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالْزُّبُر﴾**

در ترجمه دهلوی، شعرانی، مصباحزاده و معزی  
 آ. دهلوی: حجتها را و صحیفها (آل عمران/184)، به دلائل و کتابها (نحل/44)، به نشانهای واضح و به نامهای الهی (فاطر/25). ب. شعرانی: با معجزات و زبورها (آل عمران/184)، به حجتها و کتابها (نحل/44)، بینه‌ها و با مصحفها (فاطر/25). ج. مصباحزاده: معجزات و زبورها (آل عمران/184)، به حجتها و کتابها (نحل/44)، با بینه‌ها و با مصحف (فاطر/25). د. معزی: نشانیها و نوشته‌ها (آل عمران/184)، با نشانیها و نامه‌ها (نحل/44)، به نشانیها و به کتابها (فاطر/25).

**ارزیابی:** همانطور که ملاحظه شد، با وجود اینکه اصطلاح **«**﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالْزُّبُر﴾**** در آیات پیشین به یک لفظ و معنا به کار رفته است، اما مترجمان به این مسئله توجهی نداشته‌اند

و آنرا به گونه‌های متفاوتی به فارسی برگردان نموده‌اند که بیانگر عدم توجه و یا عدم دقیقت آنان در همگون سازی ترجمه اصطلاحات و عبارت‌های مشابه می‌باشد.

#### 4-1-4-2- «لَا رَيْبَ فِيهِ» فی ترجمه دهلوی و معزی

أ. دهلوی: هیچ شبهه نیست در آن (بقره/2)، هیچ شک نیست در آن (آل عمران/9)، شک نیست در آن (حج/7)، نیست شک در آن (غافر/59). ب. معزی: تردیدی در آن نیست (بقره/2)، نیست در آن شکی (آل عمران/9)، نیست شکی در آن (حج/7)، نیست تردیدی در آن (أنعام/12).

ارزیابی: گفتنی است که معزی و دهلوی عبارت «لَا رَيْبَ فِيهِ» را که به یک لفظ و معنا به کار رفته است، به گونه‌های مختلفی ترجمه کرده‌اند. این در حالی است که شعرانی و مصباح‌زاده به اصل یکسان سازی در ترجمه این ترکیب توجه کرده و آن را در تمامی آیات یاد شده یکسان و به «نیست شکی در آن» ترجمه کرده‌اند. مترجمان یاد شده در آیات ذیل نیز عبارت مذکور را یکسان ترجمه کرده‌اند که برای اختصار تنها به ذکر شماره آیات اشاره می‌کنیم: بقره/2، آل عمران/9، آل عمران/25، نساء/87، أنعام/12، يونس/37، إسراء/99، كهف/21، حج/7، ...

#### 4-3- یکسان سازی ترجمه جمله‌ها و عبارت‌های مشابه

با توجه به اینکه ترجمه‌های تحتاللفظی، متن محور می‌باشند، مترجم باید در این روش، جمله‌ها و عبارت‌هایی که اشتراک لفظی و معنوی دارند را یکسان و به یک لفظ، به زبان مقصد ترجمه نماید. از مهم‌ترین جمله‌ها و عبارت‌های مشابه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغَرُورُ﴾ (آل عمران/185، الحیدد/20). ﴿إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنُكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنُكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ﴾ (لقمان/33، فاطر/5). ﴿الَّذِينَ آتَيْنَا وَعْدَنَا الصَّالِحَاتِ﴾ (بقره/25، بقره/82، آل عمران/277، نساء/57، نساء/122، و...). ﴿إِنَّمَا اشْتَوَى عَلَى الْعَرَشِ﴾ (أعراف/54، يونس/3، رعد/11، فرقان/59، سجده/4، حديد/4). ﴿إِنَّمَا تُجَزِّئُنَّ مَا كُنْتُمْ

﴿يَعْمَلُون﴾ (طور/16، تحریم/7). ﴿إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُور﴾ (قره/210، آل عمران/109، أفال/44، حجج/76، فاطر/4، حديد/5). ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُم﴾ (نبیاء/28، حجج/76). ﴿وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهِنُون﴾ (هود/8، نحل/34، زمر/48، غافر/83، جاثیه/33، أحقاف/26). ﴿وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفَسَهُمْ يَظْلَمُون﴾ (قره/57، أعراف/160، توبه/70، نحل/33، نحل/118، عنکبوت/40، روم/9). ﴿وَهُمْ لَا يُظْلَمُون﴾ (قره/281، آل عمران/25، آل عمران/161، انعام/160، یونس/47، یونس/54). ﴿يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَعْذِبُ مَنْ يَشَاءُ﴾ (قره/284، آل عمران/129، مائدہ/18، فتح/14).

بررسی یکسان سازی ترجمه جمله‌ها و عبارت‌های مشابه:

#### 4-4-3-1- (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا)

أ. دھلوی: ای مومنان (قره/104)، ای مسلمانان (قره/153)، ای کسانی که ایمان آوردید (قره/208). ب. مصباح‌زاده: ای آنکسانی که گرویدید (قره/153)، ای آنان که ایمان آوردید (قره/172). ج. شعرانی: ای آنکسانی که گرویدید (قره/178)، ای آنکسانی که ایمان آوردید (قره/254). د. معزی: ای آنان که ایمان آوردید (قره/264)، ای گروه مؤمنان (قره/267). ه. مصباح‌زاده: ای آنکسانی که گرویدید (قره/278)، ای آنکسانی که ایمان آوردید (قره/282).

ارزیابی: همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد عبارت (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) در ترجمه‌های مذکور به‌گونه‌های مختلف ترجمه شده است که این مسئله نشانگر عدم توجه کافی مترجمان به اصل یکسان‌سازی عبارت‌ها و جمله‌های مشابه می‌باشد.

#### 4-4-3-2- (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) (قره/82)

و آنان که ایمان آوردند و کردند نیکی‌ها ... (مصطفی‌زاده). و آنان که ایمان آوردند و کردند نیکی‌ها... (شعرانی)، و آنان که ایمان آوردند و کردارهای نیک کردند... (معزی). و کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته ... (دھلوی).

#### 4-3-4-3- (إنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) (قره/277)

به درستی که آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته ... (مصباحزاده). به درستی که آنان که گرویدند و کردند کارهای شایسته و... (شعرانی). همانا آنان که ایمان آورند و کردار شایسته کردند و... (معزی). هر آینه کسانی که ایمان آورده‌اند و کردند کارهای شایسته و... (دهلوی).

ارزیابی: ملاحظه می‌شود عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» در دو آیه پیشین به یک لفظ و معنا به کار رفته است، از این رو بدیهی است که باید در ترجمه تحتاللفظی نیز آنرا به یک شکل به زبان مقصد برگرداند، با این حال می‌بینیم که آقایان «مصطفی‌زاده»، «شعرانی» و «معزی» این عبارت را به گونه‌های متفاوتی ترجمه کرده‌اند که نشانگر عدم توجه آنان به اصل یکسان سازی ترجمه عبارات مشابه در قرآن می‌باشد. البته گفتی است که این اصل در ترجمه «دهلوی» رعایت شده است به‌طوری که ایشان عبارت مذکور را در آیات پیشین و نیز در دیگر آیات - که برای رعایت اختصار به آنها اشاره نشده است، یکسان و یک شکل به فارسی برگردان نموده است.

#### 4-4-4- یکسان سازی ترجمه آیات مشابه

از جمله آیات قرآنی که دارای مشابه‌ت لفظی و معنایی می‌باشد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْبُشُونَ» (طور/41، قلم/47). «وَالَّذِينَ هُمْ لِقُرْرَوْجِهِمْ حَافِظُونَ» (مؤمنون/5، معارج/29). «إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكُتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّ هُمْ غَيْرُ مُلُومِينَ» (مؤمنون/6، معارج/30). «فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون/7، معارج/32). «أَنْظُرُوهُمْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَصَلُوْا فَلَا يَسْطِيعُونَ سَبِيلًا» (اسراء/48، فرقان/9). «يَا بَتَيْ إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا بِعَمَتِي النَّبِيِّ أَنَعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنَّى فَضَلَّتُكُمْ عَلَى الْعَالَمَيْنَ» (قره/47، بقره/122). «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبِّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (آل عمران/51، مریم/36). «فَأَخَذَهُمُ الرَّجْفَةُ فَاضْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ» (أعراف/78، أعراف/91، عنکبوت/37). «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَيْدِ» (آل عمران/182، أنفال/51). «تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمَيْنَ» (واقعه/80، حافظه/43). «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (زم/1، جاثیه/2).

بررسی اصل یکسان سازی آیات مشابه در ترجمه‌های تحت اللفظی:

۱-۴-۴-۱- **﴿إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أُولَئِكَ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَيْرُ مُلُومِينَ﴾**

أ. شعرانی: مگر بر زوجهاشان یا آنچه را مالک شد دستهاشان. پس به درستی که ایشانند غیر ملامت کرده (مؤمنون/6). مگر بر جفتهاشان یا آنچه مالک باشد یمینهاشان. پس به درستی که ایشان غیر ملامت شدگانند (معارج/30).

ب. مصباحزاده: مگر بر زوجهاشان یا آنچه را مالک شد دستهاشان. به درستی که ایشان نیستند ملامت شدگان (مؤمنون/6). جز بر جفتهاشان یا بر آنکه مالک شده دستهاشان. پس به درستی که ایشان غیر ملامت شدگانند (معارج/30).

ج. دهلوی: مگر بر زنان خویش یا بر کنیزکانی که ملک دست ایشانست. هر آینه اینان نکوهیده نیستند (مؤمنون/6). مگر بر زنان خود یا کنیزکانی که مالک آن شده است دست ایشان. پس هر آینه این فريق ملامت کرده شده نیستند (معارج/30)

د. معزی: مگر بر همسران خود یا آنچه دارا است دستهای ایشان که ایشانند نانکوهیدگان (مؤمنون/6). جز بر همسرانشان یا آنچه دارا است یمینهای ایشان که آنانند نانکوهیدگان (معارج/30).

ارزیابی: چنانچه ملاحظه می‌گردد هیچ یک از ترجمه‌های تحت اللفظی، اصل یکسان سازی ترجمه آیات مشابه را رعایت نکرده است به گونه‌ای که ترجمه‌های مذکور، آیات مشابه پیشین را به گونه‌های متفاوت و ناهمگون ترجمه نموده‌اند.

۲-۴-۴-۲- **﴿أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ﴾**

أ. دهلوی: آیا نزدیک ایشان علم غیب است پس ایشان می‌نویستند (طور/41). آیا نزدیک این جماعت علم غیب است پس ایشان می‌نویستند (قلم/47).

**ب. شعرانی:** یا نزد ایشان است غیب پس ایشان می‌نویستند (طور/41). آیا نزد ایشان است از غیب پس ایشان می‌نویستند (القلم/47).

**ج. مصباحزاده:** آیا نزد آنان اخبار غیبی است که آنها بنویستند؟ (طور/41). یا اینکه آنان علم غیب دارند و آن را می‌نویستند؟ (القلم/47).

**ارزیابی:** در این مورد نیز ملاحظه می‌گردد که ترجمه‌های تحتاللفظی مذکور، اصل یکسان سازی را رعایت نکرده‌اند، این در حالی است که آیه «أَمْ عِنْدُهُمْ...» در هر دو سوره (طور و قلم) به یک لفظ و معنا به کار رفته است.

## 5- نتیجه

بی‌تردید ترجمه تحتاللفظی با همه کاستی‌هایش، از نقاط قوتی نیز برخوردار است که همین امر موجب ماندگاری این نوع از ترجمه شده است. ترجمه تحتاللفظی هرچند تنها برگردان واژگان زبان مبدأ در زبان مقصد تلقی شده تا برگردان معانی و پیام زبان مبدأ؛ اما با این همه، در این نوع از ترجمه، دقت و ژرف نگری بسیاری در ترجمه واژگان قرآنی صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که تلاش می‌گردد تا رعایت در نقل ساختارهای ظاهری زبان مبدأ صورت گرفته و تمامی واژگان و حتی حروف در زبان مقصد، برابریابی شوند. بنابراین این نوع از ترجمه را می‌توان برابریابی و یا معادل گزینی واژگانی در زبان مقصد دانست که البته افراط در حفظ امانت و پاییندی و تقید بیش از اندازه به زبان مبدأ، گاهی سبب می‌شود تا مضمون و پیام اصلی کلام، به درستی به زبان مقصد متقال نگردد.

مطلوب مندرج در جدول زیر دستاوردهای نگارندگان است که در خلال بررسی ترجمه‌های تحتاللفظی معاصر قرآن کریم به دست آمده است.

محورهای ارزیابی	دهلوی	شعرانی	مصطفیزاده	معزی
مطابقت ترجمه با متن قرآن	ترجمه‌ای است تقریباً مطابق با زبان مبدأ که البته در در برخی از موارد همگام با متن قرآن نبوده و از افروده‌هایی داخل ترجمه بهره می‌گیرد.	ترجمه‌ای است کاملاً مطابق با زبان مبدأ که به ندرت، از واژه‌های اضافی - و آن هم در داخل پرانتز - استفاده می‌کند.	ترجمه‌ای است کاملاً مطابق با زبان مبدأ که به ندرت، از واژه‌های اضافی - و آن هم در داخل پرانتز - استفاده می‌کند.	ترجمه‌ای است مطابق با زبان مبدأ که البته برخی از موارد همگام با متن قرآن نبوده و از افروده‌هایی داخل ترجمه بهره می‌گیرد.
سازگاری با زبان مقصد	مطابق با دستور زبان فارسی نیست.	مطابق با دستور زبان فارسی نیست.	مطابق با دستور زبان فارسی نیست.	مطابق با دستور زبان فارسی نیست.
ترجمه محدودفات	غلب، محدود را در ترجمه ذکر نمی‌کند.	هیچ گاه محدود را در ترجمه ذکر نمی‌کند.	هیچ گاه محدود را در ترجمه ذکر نمی‌کند.	هیچ گاه محدود را در ترجمه ذکر نمی‌کند.
استفاده از افزوده‌های تفسیری	گاهی برخلاف اصول ترجمه تحت اللفظی از برخی افزوده‌های تفسیری داخل ترجمه استفاده می‌کند.	استفاده نمی‌کند.	به ندرت توضیحاتی را داخل پرانتز می‌ورد.	گاهی توضیحاتی را داخل پرانتز می‌ورد.
ترجمه کنایه و استعاره	در بیشتر موارد معنای مجازی کنایه و استعاره را منقل می‌کند.	تنها معنای حقیقی کنایه و استعاره را منقل می‌کند.	تنها معنای حقیقی کنایه و استعاره را منقل می‌کند.	علاوه بر انتقال معنای حقیقی، معنای مجازی کنایه و استعاره را نیز داخل پرانتز می‌ورد.
ترجمه واژه‌ها	واژه‌ها یک به یک و دقیق ترجمه می‌شود.	واژه‌ها یک به یک و دقیق ترجمه می‌شود.	واژه‌ها یک به یک و دقیق ترجمه می‌شود.	واژه‌ها یک به یک و دقیق ترجمه می‌شود.
یکسان سازی در ترجمه	تنها یکسان سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کند.	تنها یکسان سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کند.	تنها یکسان سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کند.	تنها یکسان سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کند.
شیوایی و روانی زبان ترجمه	به دلیل بهره گرفتن از برخی افزوده‌های تفسیری در درون ترجمه، از دیگر ترجمه‌های تحت اللفظی شیواتر است.	شیوا نیست.	شیوا نیست.	شیوا نیست.
ترجمه ادوات تأکید و حصر ترجمه نون تأکید	گاهی نون تأکید را ترجمه نمی‌کند.	تقریباً تمامی ادوات تأکید را ترجمه می‌کند.	تقریباً تمامی ادوات تأکید را ترجمه می‌کند.	گاهی نون تأکید را ترجمه نمی‌کند.

## 6- منابع

### \* قرآن کریم

- 1- آیتی، عبداللهم، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم، (1374ش).
- 2- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، (1414ق).
- 3- ارفع، سید کاظم، ترجمه قرآن، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، چاپ اول، (1381ش).
- 4- الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن، تهران: فرهنگ، چاپ هفتم، (1375ش).
- 5- انصاری خوشابر، مسعود، ترجمه قرآن، تهران: نشر و پژوهش فرزان روز، (1377ش).
- 6- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم: انتشارات اسوه، چاپ اول، (1383ش).
- 7- بروجردی، سید محمد ابراهیم، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات صدر، چاپ ششم، (1366ش).
- 8- بیضاوی، عبدالله بن عمر، آنسوارات التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربي، چاپ اول، (1418ق).
- 9- درویش، محبی الدین، إعراب القرآن و بیانه، دمشق: دار ابن کثیر، چاپ چهارم، (1415ق).
- 10- دعاس، احمد عبید، حمیدان، احمد محمد، القاسم، اسماعیل محمود، إعراب القرآن الكريم، دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی، چاپ اول، (1425ق).
- 11- دهلوی، شاه ولی الله، فتح الرحمن بترجمة القرآن، تحقیق عبد الغفور عبد الحق بلوج وشیخ محمد علی، مدینة: مجمع ملک فهد لطبعۃ المصحف الشریف، چاپ اول، (1417ق).
- 12- شعرانی، ابوالحسن، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات اسلامیہ، چاپ اول، (1374ش).
- 13- صافی، محمود بن عبدالحیم، الجدول فی إعراب القرآن، دمشق: دار الرشید مؤسسة الإیمان، چاپ چهارم، (1418ق).
- 14- صفارزاده، طاهره، ترجمه قرآن، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم، (1380ش).
- 15- صفوی، محمد رضا، ترجمه قرآن، قم: اسراء، چاپ اول، (1385ش).

- 16- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۸۴(ش).
- 17- لطفی پور ساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴(ش).
- 18- مجتبوی، سید جلال الدین، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۱(ش).
- 19- مصباح‌زاده، عباس، ترجمه قرآن، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان، چاپ اول، ۱۳۸۰(ش).
- 20- معزی، محمد‌کاظم، ترجمه قرآن، قم: انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۲(ش).
- 21- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، قم: دار القرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۳۷۳(ش).
- 22- نیومارک، پیتر، دوره آموزش فنون ترجمه ویژه مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، مترجمان: دکتر منصور فهیم، سعید سبزیان - تهران: رهنما، ۱۳۸۲(ش).

### پی‌نوشت

شاه ولی‌الله محدث دهلوی (۱۱۷۶ق. - ۱۱۱۴ق.): یکی از اصلاح‌گران مهم اسلامی در شبه قاره هند بود. وی آثاری در فقه و حدیث نیز دارد. شاه ولی‌الله دهلوی به زبان‌های فارسی و عربی می‌نوشت. الفوز الكبير فی اصول التفسیر که به فارسی نوشته شده از مشهورترین آثار شاه ولی‌الله است. ترجمه‌ای که او از قرآن به فارسی کرده است، *فتح الرحمن* نام دارد.

میرزا ابوالحسن شعرانی (۱۳۹۳ق. - ۱۳۲۰ق.): حکیم متاله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی فرزند مرحوم حاج شیخ محمد و از نوادگان ملا فتح الله کاشانی صاحب تفسیر منهج الصادقین در تهران دیده به جهان گشود و در بیت علم و فضیلت و تقوا رشد و نمو کرد. برخی از آثار ایشان عبارتند از: حاشیه بر مجمع البیان در ده جلد با تصحیح کامل و اعراب اشعار و توضیح آنها؛ تصحیح کامل تفسیر صافی در دو جلد؛ حواشی و تعلیقات بر تفسیر کبیر منهج الصادقین در ده جلد؛ ترجمه قرآن کریم؛ ترجمه و شرح دعای عرفه حضرت امام حسین «علیه السلام» به ضمیمه کتاب *فیض الدمع*؛ ترجمه و شرح مفصل صحیفه کامله سجادیه و ...

**عباس مصباحزاده (1351ق): روحانی، مترجم قرآن، منجم و خوشنویس ایرانی** است. پدرش شیخ اسماعیل مصباح و پدر بزرگش میرزا جهانبخش منجم باشی از منجمین بزرگ عصر قاجار و از مدرّسین معروف دارالفنون و مدرسه خان مروی بوده است. مصباح زاده پس از تحصیلات جدید وارد حوزه علمیه قم شد و از مرتضی حائری، محقق داماد و آیت الله بروجردی بهره‌ها برداشت. او همچنین در درس اخلاق امام خمینی و جلسات درس علامه طباطبائی و علامه ابوالحسن شعرانی و مهدی الهی قمشه‌ای بهره برداشت. برخی از آثار او به شرح زیر می‌باشد: ترجمه قرآن کریم، صحیفه سجادیه و ادعیه مفاتیح الجنان به فارسی، که همه آنها با خط خود او بارها به چاپ رسیده است.

**محمد کاظم معزی:** در سال 1298 ش در دزفول به دنیا آمد و در سال 1348 ش در تهران وفات یافت و در مقبره شیخان قم مدفون گردید. تحصیلات بعد از مکتب خانه او در خدمت جدش حاج شیخ محمدرضا شروع شد و زیر توجه و علاقه خاص او مدارج علمی را به طور مضاعف طی کرد. او علاوه بر عربی، به زبان انگلیسی هم آشنا بود. چند سالی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس کرد. اثر مهمش، ترجمه قرآن مجید به فارسی است.